

پژوهشی در بررسی و تبیین تطبیقی مصداق کوثر از منظر فریقین

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۸

ندیم حسین حیدری؛ فارغ التحصیل سطح ۴ جامعه المصطفی

چکیده

واژه «کوثر» بخشی از آیه قرآنی است که در سوره مبارکه کوثر به کار رفته و مجال شناخت این واژه با توجه به شرایط ویژه آن، معرکه نظرات و تقابل آرای فریقین شده است. پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با راهبرد جمع آوری اطلاعات کتابخانه‌ای تلاشی روشمند برای کشف و تبیین مصداق «کوثر» از منظر فریقین است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد هرچند در منابع تفسیری و روایی فریقین مصداق‌های فراوانی برای کوثر ذکر شده است، ولی در مصداقی همچون: نه‌ری در بهشت، حوضی در بهشت، خیر کثیر، جمع بین اقوال، فاطمه زهرا سلام الله علیها، همه نعمت‌های ظاهری و باطنی اشتراک و در دو مصداق: کتاب و عترت و وحی و نبوت افتراق دارد. نتیجه تحقیق با عنایت به بررسی تطبیقی نظریات اندیشمندان فریقین نشان می‌دهد که مصداق اصلی کوثر، فاطمه زهرا سلام الله علیها است که در گستره تاریخ تاکنون منبع خیر کثیر شده است.

کلید واژه‌ها: فاطمه زهرا سلام الله علیها، کوثر، فریقین، بررسی تطبیقی.

۱. بیان مسأله

در بین سوره‌ها و آیه‌های قرآن کریم تعدادی از آنها به جهت شأن نزول خاص خود و یا سایر ویژگی‌ها، شاخص و از اهمیت بیشتری برخوردارند. سوره کوثر به عنوان کوچکترین سوره قرآن، یادآور بزرگترین هدیه الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که به منظور آرامش خاطر آن حضرت در برابر انبوه حوادث دردناک و زخم زبانهای مکرر دشمنان به خاطر مرگ پسران پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. در این میان در تفسیر بعضی از واژه‌های این سوره از جمله واژه «کوثر»، نظرات قابل ملاحظه‌ای بین اندیشمندان فریقین دیده می‌شود؛ از این رو، یافتن مصداق حقیقی کوثر را می‌توان یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات قرآنی و روایی دانست که اندیشمندان فریقین به بیان مراد جدی آن پرداخته‌اند. به گونه‌ای که از بعضی از مفسرین بالغ بر بیست و شش قول نقل شده است. (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۴۴/۳۰ و ۲۴۵) مسأله تحقیق بر نقاط اشتراک و افتراق در بیان مصداق کوثر از منظر فریقین نظر دارد.

بنابراین مقاله حاضر تلاشی روشمند برای کشف و تبیین مصداق واژه «کوثر» در آیه شریفه ﴿إِنَّا أُعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ﴾ (کوثر: ۱) با استفاده از برخی قراین تفسیری مانند واژه‌شناسی، سیاق و تفسیر روایی است.

۲. پژوهش‌های پیشین

با عنایت به مسأله تحقیق که یافتن مصداق «کوثر» به عنوان بخشی از سوره‌های مهم قرآن کریم است، لذا مفسران شیعه و سنی تقریباً از قرن سوم هجری قمری به بعد به طور مدوّن به تألیف و تصنیف کتاب‌های تفسیری و روایی اهتمام ورزیده و از زوایای مختلف به بحث درباره آن پرداخته‌اند. از باب نمونه می‌توان به کتاب‌هایی همچون: اعجاز سوره کوثر تألیف زمخشری، حول تفسیر سوره

الکوثر، تألیف عبدالله سراج الدین، دره الدرر فی تفسیر سوره الکوثر، تألیف ملاحیبب الله کاشانی، سوره کوثر، جلالت حضرت فاطمه سلام الله علیها تألیف عباس راسخی نجفی و... مقالات مانند: قرآن و فاطمه از غروی نائینی، فاطمه در قرآن از جین دمن مک اولیف، تفسیر سوره کوثر از آیت الله شیخ مرتضی حائری، و اما در عصر کنونی نیز هر چند پژوهش‌های مختلفی درباره سوره کوثر طرح شده، اما بر اساس تتبع مقاله پژوهش تطبیقی و مقارنه‌ای قابل توجه درباره شناخت مصداق کوثر ارائه نشده است. از این رو، پژوهش حاضر جزء اولین رهیافت‌ها در این زمینه است.

۳. مفهوم‌شناسی

۳.۱. تطبیق

در عربی تطبیق از ماده «ط - ب - ق» در اصل به معنای نهادن شیء گسترده‌ای بر چیزی مانند خودش است، به طوری که آن را کاملاً بپوشاند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۳۹/۳؛ فیومی، بی‌تا: ۳۶۹/۲) «طَبَقَ الغَیْمُ السماء» یعنی ابر آسمان را پوشاند. (انیس، ۱۳۷۵ش: ۵۵۰/۲) از این ریشه دو واژه «طَباق» و «طَبَق» هر یک دو بار در قرآن کریم به کار رفته است. به حال انسان نیز «طَبَق» گفته‌اند، در حالی که مطابق حال دیگر باشد. در قرآن کریم نیز به همین معنا به کار رفته است: ﴿لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ﴾ (انشقاق: ۱۹)؛ (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۷۲۸/۴) اما در فارسی تطبیق به معنای برابر کردن دو چیز با هم و با هم مطابق ساختن به کار می‌رود. (معین، ۱۳۷۵ش: ۱۰۹۵/۱)

۳.۲. کوثر

اصولاً فهم، تفسیر و تاویل قرآن مجید و حدیث سخت به واژه شناسی وابسته و نیازمند است. مقاله حاضر حاوی نکاتی در باب معانی واژه قرآنی «کوثر» و جایگاه آن در کلیت سیر نظام معرفت است که فهم دقیق آن در معناشناسی توصیفی این واژه از نگاه اهل لغت و اندیشمندان تفسیری ضروری می‌نماید.

۳.۲.۱. مفهوم لغوی

از نگاه اندیشمندان لغوی مشتقات و معانی مختلفی برای واژه کوثر نقل شده است. «کوثر» بر وزن «فوعل»؛ وصفی است که از «کثره» گرفته شده و به معنای «خیر کثیر و فراوان» است. (ازهری، بی تا: ۱۰/۱۰۲) گستره معنایی این واژه چنان وسیع و جامع است که مصادیق بی‌شماری از جمله «خیر بی‌نهایت» را نیز می‌تواند شامل شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۰۳) چنانچه صاحب التحقیق پس از بیان معانی کوثر نتیجه می‌گیرد: «ماده کوثر مقابل و ضد معنای قلت است و بیشتر برای مبالغه در کمیت و مقدار به کار می‌رود و در آن استمرار وجود دارد.» ایشان ضمن تمسک به آیه مبارکه ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ (کوثر: ۱) می‌نویسد: «او دلالت بر زیاده و مبالغه در معنی می‌کند و شامل هر چیزی متناسب با مقام خود از هر خیر و صلاح و وسیله‌ای برای پیروزی و برتری جسمانی یا اخلاقی می‌شود و از مصادیق بارز آن فاطمه زهرا سلام الله علیها است که از وجود او آثار نبوت متجلی گشته و در سراسر عالم منتشر شده است.» (مصطفوی، ۱۴۰۲ق: ۱۰/۲۷-

۳.۲.۲. کوثر در اصطلاح مفسران

الکوثر: بر وزن فوعل از کثرت است و آن چیز است که شأن آن کثرت است و کوثر خیر فراوان است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۳۵/۱۰) فخر رازی آن را به معنای خیر کثیر در دنیا و آخرت دانسته است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۲/ ۳۰۹) شیخ طوسی در تفسیر تبیان می‌نویسد: «کوثر چیزی است که شأن آن زیاد شدن است و معنای دیگر کوثر: خیر و برکت بسیار و پایان‌ناپذیر است.» (طوسی، بی‌تا: ۴۱۷/۱۰) بیضاوی در انوارالتنزیل می‌نویسد: «کوثر خیر کثیری از علم و عمل و شرف دنیا و آخرت» (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۳۴۲/۵).

بررسی لغوی و تفسیری واژه «کوثر» نشان می‌دهد که این واژه بر وزن «فَوَعَلَ» وصفی است که از ریشه «کثرت» گرفته شده که به معنای زیادت و نقیض قلت و چیز است که از شأن آن کثرت است.

بنابراین، با عنایت به معانی گوناگونی که برای واژه کوثر در لغت و منابع تفسیری ذکر شد، سیر تحول معنایی واژه را چنین می‌توان به تصویر کشید که ابتدا به گرد و غبار زیادی که در اثر وزش باد ایجاد می‌شد، کوثر اطلاق می‌گردید. چه اینکه زبیدی چنین گفت: «و الكَوْتَرُ: الكَثِيرُ الْمُتَلَفَّ من الغَبَارِ إِذَا سَطَعَ و كَثْرًا» (واسطی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۶/۷)، پس از آن، به تعداد فراوانی از هر چیزی، کوثر گفته شده است. چنانچه به زن بادیه نشین که فرزندش با دست پر از کالا و سوغات و وسایل از سفر بازگشته بود گفته شده که چگونه بازگشت و در جواب گفت: آت بکوثر. (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۸۰۶/۴)

پس می‌توان نتیجه گرفت که تعدد معانی در این واژه در اثر تعدد تحول معنا در گستره تاریخ به وجود آمده است؛ زیرا همان گونه که در مشتقات واژه یاد شد، در هم خانواده واژه «کوثر» نیز به نوعی وحدت معنایی وجود دارد.

۴. بررسی تطبیقی مصداق کوثر

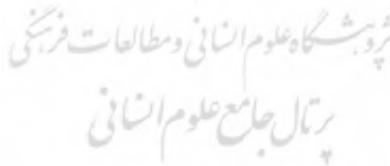
صاحب‌نظران درباره مصداق «کوثر»، در آیه ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾، دیدگاه‌های متعددی را بیان کرده‌اند. تا جایی که فخر رازی در تفسیر کبیر پانزده مصداق برای آن شمرده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۱۳/۳۲-۳۱۷) اما در این تحقیق با توجه به نگاه تطبیقی، ابتدا اشتراکات و افتراقات مصادیق کوثر از نگاه فریقین به صورت جداگانه بررسی شده و آنگاه به صورت مقایسه‌ای تحلیل شده و نظر مختار ذکر می‌شود.

۴.۱. اشتراکات

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در موارد زیر اندیشمندان فریقین درباره مصداق کوثر اشتراک نظر دارند:

۴.۱.۱. نهری در بهشت

در برخی از منابع شیعه و اهل سنت مصداق کوثر نهری در بهشت دانسته شده است.



۴.۱.۱.۱. منابع شیعه

در منابع شیعه، چنین دیدگاهی عمدتاً با تمسک به روایاتی از امامان معصوم و از صحابه مانند: ابن عباس نقل شده است. از جمله حسینی استرآبادی می‌نویسد: «برخی گفته‌اند ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ به معنای نهری در بهشت است که این موضوع را روایتی که امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است تأیید می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل منازل من و

اهل بیت مرا در کوثر به من نشان داد.» (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۸۲۱) یا در روایت ابن عباس چنین ذکر شده است: «چون إنا أعطیناک الکوثر نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله منبر رفت و آن را بر مردم قرائت کرد و چون پائین آمد گفتند ای رسول خدا چیست آنچه خداوند به شما داده است؟ فرمود: نهریست در بهشت که از شیر سفیدتر و استقامتش از قلع شدیدتر باشد...» (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۵/ ۶۸۰).

۴.۱.۱.۲. منابع اهل تسنن

مستمسک اهل تسنن برای بیان این دیدگاه، روایات صحیح بخاری (که بسیاری از مفسران و محدثان اهل تسنن آن را نقل کرده‌اند) است. از جمله در صحیح بخاری آمده است «کوثر خیری کثیر است که خداوند به پیامبرش عطاء کرده است» (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۴/ ۱۹۰۰) از این رو، قرطبی در تفسیر خویش به نقل از صحیح بخاری می‌نویسد: «کوثر نهری در بهشت که کناره آن از طلا، مجرای آن در و یاقوت و تربت آن خوشبوتر از مشک، آب آن شیرین‌تر از عسل و سفیدتر از پنبه است و این حدیث حسن و صحیح است.» (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۰/ ۲۱۶) یا ابوحیان چنین می‌گوید: «در باره کوثر بیست قول آمده است که صحیح آن، تفسیری است که از پیامبر نقل شده است که فرمود: کوثر نهری در بهشت است که کناره آن از طلاست...» (ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ۱۰/ ۵۵۶) همچنین بغوی پس از نقل مصداق‌های مختلف می‌نویسد: «قول معروف آن است که کوثر نهری در بهشت است که خداوند به رسول خود عطاء فرموده است.» (بغوی، ۱۴۲۰ق: ۵/ ۳۱۳)^۲

بررسی تطبیقی

روایاتی که مورد استناد منابع شیعی قرار گرفته است، یکی جایگاه کوثر را در بیت المعمور (حویزی، ۱۴۱۵ق: ۶۸۰/۵) و دیگری در بهشت دانسته است (همان). روایتی که از ابن عباس در این باب نقل شده است، ضعف سندی و محتوایی دارد (همان) بدین جهت که ابن عباس روایت را به شکلی بازگو می‌کند که گویا خود ناظر بر نزول سوره بوده است و حال آنکه ابن عباس فقط یک سال و نیم همراه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌زیسته و در هنگام هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله سه ساله بوده است. مگر اینکه از کسی که سبب نزول را دیده یا شنیده باشد، نقل کرده باشد و چنین قرینه‌ای در دست نیست و در صورت استناد روایت به وی، باز هم تنها به عنوان یکی از مصادیق قابل پذیرش خواهد بود نه به عنوان مصداق اصلی.

مطلب دیگر اینکه در روایت ابن عباس از منبر سخن به میان آمده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۸۳۶/۱۰؛ اما با وجود حاکمیت شرایط سخت و طاقت فرسای مکه در آن زمان، طرح منبر موضوعیت ندارد چه اینکه ابن کثیر، ساختن منبر را بعد از هجرت در مدینه دانسته است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴۲۶/۸) به ویژه که از منظر بسیاری اندیشمندان فریقین سوره کوثر از سوره‌های مکی قرآن است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۸۵۳/۱۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۱۶/۲۱) از این رو، در مکه اصلاً منبری نبوده است. افزون بر آن، مکی بودن سوره مبارکه کوثر از خود ابن عباس نیز نقل شده است (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۱۶/۲۱) که تعارض آشکار را در پی دارد بخصوص که برخلاف مسلمات تاریخی است.

علاوه بر آن، در متن روایات منقول از ابن عباس اشکالاتی وجود دارد؛ زیرا ایشان در یک روایت کوثر را نهر دانسته و در روایت دیگر آن را خیر کثیر دانسته است. (طبری، ۱۴۱۲ش: ۲۰۸/۳۰) زیرا ابن جریر پس از بازگو نمودن

اقوال مختلف، به خاطر روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهر بودن کوثر را «اولی» می‌داند. (همان: ۲۰۹/۳۰) در حالی که برخی مفسران اهل تسنن، حوض بودن کوثر را مشهور دانسته‌اند. (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۳۱۳/۳۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۴۹۷/۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۲۰۷/۳۰-۱۰۸)

همچنین روایات مورد استناد شیعه، از سند قوی برخوردار نیستند؛ زیرا برخی از روایات از منابع اهل تسنن و برخی دیگر به طور مرسل نقل شده است. البته در صورت صحیح بودن روایات شیعه می‌توان نهر بودن را جزء مصادیق اخروی کوثر دانست، نه دنیوی آن؛ زیرا قرآن کریم مشتمل بر ظاهر و باطن است و کلام در این تحقیق در مورد بازشناسی مصداق کوثر در دنیا و وقت نزول است و گرنه یعنی اگر مراد مصداق کوثر در دنیا بشود این می‌شد که کوثر نهری است که با ولایت پیوند خورده است و جز ولایت مداران، کسی به آن راه ندارد و از آن نمی‌تواند بنوشد. (مجلسی، بی تا: ۲۸۹/۴۴)

عمده دلیل اهل تسنن بر دلالت کوثر بر نهر در بهشت روایتی است که از بخاری نقل شده است و مهم‌ترین موضوع در چنین روایاتی درباره کوثر آن است که در آن زمان مردم فکر می‌کردند کوثر، نهری در بهشت است و در آنها نه اشاره‌ای به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله شده و نه اشاره‌ای به سوره کوثر. روایات بخاری نیز بیانگر آن است که در عصر تابعین، نهر بهشتی به صورت یک احتمال در جامعه آن روز مطرح بوده و همه مردم آن زمان به چنین مطلبی باور نداشتند؛ بلکه صرفاً تعدادی از تابعین چنین اعتقادی داشته‌اند و جای تأمل است که خود سؤال کننده (یعنی ابوبشیر) نهر را مصداق کوثر نمی‌دانسته است چه اینکه از روایت به دست می‌آید که وی چنین گفت: «إن أناسا يزعمون أنه نهر في الجنة» و سعید بن جبیر هم در پاسخ به ابوبشیر، نهر بهشتی را یکی از مصادیق خیر دانسته است، نه کوثر. پس منحصر دانستن کوثر در نهر بهشتی، برخلاف سیاق

آیات، روایات، عقل، آیات دیگر قرآن کریم و قانون عرض حدیث بر قرآن است؛ زیرا قرآن کریم برای متقین در بهشت، نه تنها از یک نهر، بلکه از انواع نهرها سخن گفته است. (محمد: ۱۵) بنابراین، بعید است خداوند حکیم با وعده دادن یک نهر، آن هم در آینده، بر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله منت گذاشته و از ذات اقدس او در قبال آن، نماز شکر و قربانی طلب کند؛ زیرا شکرگذاری پس از حصول نعمت است، نه قبل از آن و حال آنکه سیاق سوره نشان می‌دهد که در ابتدا از عطای کوثر سخن گفته شده و بلافاصله از نماز شکر و قربانی سخن به میان آمده است که نشان می‌دهد کوثر چیزی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله عطا شده است نه اینکه عطا خواهد شد و چنین مطلبی با وعده نهر مطابقت ندارد.

افزون بر آن، در روایات، وجود چنین نهری در آسمان دنیا در کنار نهر نیل و فرات (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۶/۲۷۳۰)، در آسمان هفتم (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۴/۱۳۸) و در جنت (همان: ۶/۴۰۲) معرفی شده است. همچنین چنین روایاتی که از انس نقل شده، حامل مضامین غیر صحیح همچون عمل جراحی پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجدالحرام، وجود نهرهای سه گانه نیل، فرات و کوثر در آسمان دنیاست که به احتمال قوی از اسرائیلیات است؛ زیرا وقتی انس بن مالک که در زمان معراج به دنیا نیامده، چطور معراج را به صورت مستقیم بیان کرده است در حالی وی در هنگام هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله هشت یا ده ساله بود و معراج در سال دوم بعثت رخ داده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۳/۳۸) علاوه بر آن، نهرهای فرات و نیل نیز در عراق و مصر است، نه در آسمان دنیا که بیان‌کننده مجعول بودن چنین روایاتی است.

بنابراین با عنایت به سیاق آیات، فضای نزول، روایات سبب نزول و روایت تفسیری منقول از امام علی علیه السلام در پاسخ به عمرو بن عاص، نمی‌توان

پذیرفت مقصود از کوثر نهی در بهشت باشد و در صورت صحت روایات، فقط می‌توان آن را به عنوان یکی از مصادیق اخروی قرار داد نه دنیوی که از باب تاویل است، نه تفسیر.

۴.۱.۲. حوضی در بهشت

برخی اندیشمندان شیعه و اهل سنت مصداق کوثر را حوضی در بهشت دانسته‌اند.

۴.۱.۲.۱. منابع شیعه

برخی از اندیشمندان شیعی مصداق کوثر را حوضی در بهشت دانسته‌اند. چه اینکه از امام علی علیه السلام در حدیث طولانی درباره حوض چنین آمده است: «أَنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَعِيَ عِثْرَتِي وَ سِبْطَايَ عَلَى الْحَوْضِ ... وَ حَصَاهُ اللَّوْلُؤُ وَ الْيَاقُوتُ وَ هُوَ الْكَوْثَرُ». (صدوق، ۱۳۶۲ش: ۲/۶۲۴؛ ر.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۰/۴۲۷)

۴.۱.۲.۲. منابع اهل سنت

برخی از اندیشمندان اهل سنت مصداق کوثر را «حوض» در بهشت دانسته است چه اینکه نقل شده است: «فَعَنَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ الْحَوْضُ وَ لَمَّا قَالَ سَعِيدُ بْنُ جَبْرِ: الْكَوْثَرُ الْخَيْرُ الْكَثِيرُ قِيلَ لَهُ فَقَدْ قِيلَ: إِنَّهُ الْحَوْضُ فَقَالَ: الْحَوْضُ مِنَ الْخَيْرِ الْكَثِيرِ» (نحاس، ۱۴۲۱ق: ۵/۱۸۸)؛ از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که کوثر حوض است. وقتی سعید بن جبیر گفت: کوثر خیر کثیر است، به او گفته شد که کوثر را حوض دانسته است. او گفت: حوض از خیر

کثیر است. یا ابن جزری می‌نویسد: «الصحيح أن المراد بالكوثر الحوض لما ورد في الحديث الصحيح أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: أ تدرون ما الكوثر هو نهر أعطانيه الله و هو الحوض آئيته عدد نجوم السماء.» (ابن جزری، ۱۴۱۶ق: ۵۱۷/۲)^۲

بررسی تطبیقی

در روایات استنادی در منابع شیعی اصل حوض را از نهر دانسته و بر هر دوی آن «کوثر» اطلاق شده است. مصداق اخروی بودن حوض و نهر برای کوثر، قابل پذیرش است و این اهمیت کوثر را می‌رساند. در برخی روایات فریقین هم مطالبی بر همین مدعا دلالت دارند و کسی منکر مصداق بودن نهر یا حوض برای کوثر در آخرت نیست؛ ولی منحصر نمودن مصداق «الکوثر» صرفاً در آنها درست نیست؛ زیرا کوثر در مقابل ابتر است. از این رو، مصداق دنیوی آن نیز باید مشخص باشد که در این صورت از باب تأویل است و ما به دنبال آنیم که هنگام نزول سوره کوثر، مصداق آن چه بوده است که بر اساس آن بر پیامبر صلی الله علیه و آله دو امر واجب شده و دادن کوثر موجب ابتزیت دشمنان شده است. چرا که سیاق آیات از عطای کوثر در عالم دنیا حکایت می‌کند، چون حامل دو تکلیف شرعی است و آن نماز شکر و قربانی است. از سوی دیگر، حوض و نهر هر دو در عالم آخرت به پیامبر صلی الله علیه و آله عطا می‌شود.

در روایات استنادی اهل تسنن، ابن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت کرده است: «ثم يفتح نهر من الكوثر إلى الحوض» (طبری، ۱۴۱۲ق: ۹۹/۱۵) در روایت مذکور، جریان نهر را از کوثر به سوی حوض دانسته است. در این صورت کوثر یک وجود مستقل دارد و نهر از این وجود جاری شده و به حوض می‌رسد و بر هر دو آن مجازاً کوثر اطلاق شده است. شاید همین وجه باشد که در برخی روایات کوثر بر نهر و حوض، هم زمان استعمال

شده است. (قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۱/۲۱۷) از این رو، فخر رازی در تفسیر خویش درباره کوثر بودن حوض می‌گوید: «قول دوم درباره کوثر این است که کوثر حوض است و روایات در این باره مشهور است. وجه جمع این قول و قول اول (نهر) این است که نهر به حوض می‌رسد یا نهرها از حوض جریان پیدا نموده، گویا حوض، منبع نهر باشد» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۲/۳۱۳)

۴.۱.۳. خیر کثیر

یکی از مصادیق کوثر در منابع فریقین، خیر کثیر است.

۴.۱.۳.۱. منابع شیعه

هرچند فیض کاشانی در قرن یازدهم کوثر را به خیر مفرط کثیر تفسیر کرده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۵/۳۸۲)، یا شیخ طبرسی در قرن ششم تصریح کرده است، ابن عباس و ابن جبیر و مجاهد گفته‌اند: کوثر به معنای خیر کثیر است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۵/۵۴۹)؛ اما در منابع حدیثی شیعه بر خلاف مجامع روایی اهل سنت، روایت قابل توجه در مورد خیر کثیر به عنوان مصداق کوثر به چشم نمی‌خورد. البته برخی از اندیشمندان شیعه روایت ابن عباس را از طریق اهل سنت نقل کرده‌اند که نمی‌توان آن را به عنوان دیدگاه شیعه پذیرفت. در این میان برخی مفسران شیعی با لفظ «قیل» خیر کثیر را به عنوان یکی از مصادیق کوثر به حساب آورده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰/۶۳۹) که این دیدگاه شیعه به حساب نمی‌آید.^۴

۴.۱.۳.۲. منابع اهل تسنن

برخی از اندیشمندان اهل تسنن مصداق کوثر را «خیر کثیر» دانسته‌اند (قادری، بی- تا: ۴۹) بسیاری از مفسران از برخی روایات نیز همین برداشت را کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق: ۲۰۸/۳۰) و با تمسک به روایت صحیح بخاری به نقل از ابن عباس، کوثر را خیر دانسته است که خدا به پیامبرش داده و در پاسخ به ابوشیر که برخی مردم نهر جنت را کوثر می‌دانند، سعید بن جبیر گفت: «النهر الذی فی الجنة من الخیر الذی أعطاه الله إیاه» (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۱۹۰۰/۴) از ابن رو، ابن عاشور می‌نویسد: «و قد فسر السلف الکوثر فی هذه الآیة بتفاسیر أعمها أنه الخیر الکثیر». (ابن عاشور، بی‌تا: ۵۰۳/۳۰) همچنین زمخشری هم در آغاز قرن ششم نوشته است: ابن عباس و سعید بن جبیر کوثر را به خیر کثیر تفسیر کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۸۰۷/۴) ۵

بررسی تطبیقی

در مستندات شیعی از واژه خیر کثیر به صراحت استفاده نشده است. صرفاً برخی از مفسران با تمسک به روایات منقول از اهل تسنن خیر کثیر را مصداق کوثر دانسته‌اند. هرچند طبرسی به صورت تلویحی آن را پذیرفته؛ اما وی دلیلی جز روایت منقول از اهل سنت در دست ندارد. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۸۳۰/۵) بنابراین، اندیشمندان شیعی، خیر کثیر را به عنوان مصداق اصلی کوثر قبول ندارد و به احتمال زیاد چنین برداشتی از طریق روایات و دانشمندان اهل تسنن در حوزه تفسیری شیعه وارد شده است که در صورت پذیرش آن، نقدهای وارد بر دیدگاه اهل سنت اینجا نیز صدق خواهد کرد.

اما با مراجعه و دقت به منابع اهل تسنن به دست می‌آید که آنها بر اساس روایت استنادی صرفاً یکی از مصداق‌های کوثر را معرفی نموده است که کوثر آن خیری است که خداوند به پیامبرش عطا نموده است، سپس نهر جنت را از مصادیق آن خیر دانسته است. در روایات استنادی آنها موضوع قابل تأمل آن است که در آن زمان برخی مردم فکر می‌کردند کوثر نهری در جنت است، نه اینکه از روایت فهمیده باشد و از طرفی در روایات هیچ اشاره‌ای به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله نشده است و از نحوه گفتمان ابن عباس به دست می‌آید که چنین برداشتی از اجتهاد وی سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، با تعمق در روایات منقول از ابن عباس در این باب آشکار می‌شود که وی الکوثر را تفسیر کرده و در صدد تبیین تفسیر الکوثر است، نه معنای آن؛ زیرا ابن عباس درباره الکوثر گفت: «هو الخیر الذی أعطاه الله إياه». این یک بیان تفسیری است و او معنای الکوثر را در این سخن بیان ننموده است. در پاسخ سعید بن جبیر نیز چنین قرینه‌ای وجود دارد، «النهر الذی فی الجنة من الخیر الذی أعطاه الله إياه» (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۴/۱۹۰۰)، یعنی مصداق خیر، نهر جنت است، نه اینکه معنای الکوثر خیر باشد. ابن عباس کوثر را به خیر کثیر تفسیر نموده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴/۶۲۹) و حتی خود سؤال کننده (یعنی ابوبشیر) نهر را مصداق کوثر نمی‌دانسته است چه اینکه از روایت ظاهر است که وی گفت: «إن أناساً یزعمون أنه نهر فی الجنة». سعید بن جبیر هم در پاسخ به ابوبشیر، نهر بهشتی را یکی از مصادیق خیر دانسته است، نه مصداق الکوثر. سعید بن جبیر نیز بیان تفسیری و اجتهادی دارد و این سخن باز هیچ انتسابی به رسول خدا صلی الله علیه و آله ندارد.

بنابراین، خیر کثیر را به عنوان مصداق اصلی دانستن برای کوثر محل اشکال است؛ زیرا اگر کوثر را خیر کثیر بگیریم، در این صورت مصداق آن معین

نخواهد بود، بلکه هر چیزی که خیر بر آن اطلاق شود، مصداق کوثر خواهد بود و این خلاف روایات اسباب النزول است. البته اگر اسباب نزول ثابت و قطعی شد مخالفت با آن می‌تواند مهم باشد. در صورت پذیرش چنین مطلبی «ال» بر سر «الکوثر» را می‌توان برای جنس دانست و نهی در بهشت یکی از مصادیق آن خیر خواهد بود. (مظهري، ۱۴۱۲ق: ۳۵۲/۱۰)

۴.۱.۰.۴. جمع بین اقوال

برخی از اندیشمندان فریقین، بدون ترجیح قول خاصی، همه اقوال را ذکر کرده و آنها را مصداق کوثر دانسته‌اند.

۴.۱.۰.۴.۱. منابع شیعه

در برخی از منابع شیعی بدون ترجیح قول خاصی، همه مصادیق ذکر شده برای کوثر را ذکر کرده‌اند. چه اینکه قرشی در احسن الحدیث می‌نویسد: «اقوال مفسران در تفسیر کوثر مختلف است آن را خیر کثیر، حوض رسول خدا صلی الله علیه و آله در بهشت یا در محشر، نبوت، قرآن، کثرت پیروان اسلام، کثرت ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله، شفاعت و مانند آن گفته‌اند.» (قرشی، ۱۳۷۷ش: ۳۷۷/۱۲) یا طبرسی در مجمع البیان می‌گوید: «علماء، در تفسیر آن اختلاف کرده‌اند، عایشه و ابن عمر و ابن عباس گویند: آن نهیست، در بهشت، در دامه ابن عباس می‌گوید: چون إنا أعطیناک الکوثر نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله منبر رفت و آن را بر مردم قرائت کرد و چون پائین آمد گفتند ای رسول خدا چیست آنچه خداوند بشما داده است؟ فرمود: نهیست در بهشت که از شیر سفیدتر و استقامتش از قدح شدیدتر باشد، که از آب کوثر بنوشد، و رستگار برضوان خدا شود، از آن بهتر است.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که آن شفاعت است و لفظ محتمل است که شامل همه آنها شود، پس واجب است که حمل بر تمام اقوالی که ذکر شده گردد و حقا خداوند سبحان بآن حضرت در دنیا خیر فراوانی داده و وعده‌اش داده که در آخرت هم خیر بسیارش - دهد، و تمام این اقوال تفصیل یک جمله است و آن خیر بسیار است در دنیا و آخرت. «(طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۸۳۶/۱۰-۸۳۷) همچنین فیض کاشانی می‌نویسد: «خیر کثیر به علم، عمل، نبوت، کتاب، شرف دنیا و آخرت، ذریه پاک، شفاعت و نهری در بهشت تفسیر شده است.» (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق: ۲/۱۴۸۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۵/۳۸۳) و نیز صاحب تفسیر اثنا عشری می‌نویسد: «وجوه در کوثر: ۱. علم و عمل، ۲. نبوت، ۳. قرآن، ۴. شرف دارین، ۵. شفاعت، ۶. ذریه طیبه آن حضرت از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها علیها، ۷. مراد کوثر نهری است در بهشت... و شبهه‌ای نیست که کوثر به معنی خیر بسیار باشد. بنابراین این شامل تمام اقوال مذکوره خواهد بود، از کثرت امت و اعطاء مزیت رفعت و منزلت و انواع خیر دنیا و آخرت.» (حسینی شاه عبدالعظیمی: ۳۶۳/۱۴؛ ر.ک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۰/۴۲۷)

۴.۱.۴.۲. منابع اهل تسنن

به موازات اندیشه شیعی، برخی از اندیشمندان اهل تسنن نیز به جمیع اقوال بدون ترجیح قول خاصی اشاره کرده‌اند. چنانچه فخر رازی می‌نویسد: «در مورد «کوثر» تفسیرات و تأویلات زیادی شده که مهمترین آنها عبارتند از: ۱. «کوثر» رودی است در بهشت و از پیامبر نیز این موضوع روایت شده است. ۲. «کوثر» حوضی است در بهشت. ۳. «کوثر» فرزندان پیامبرند. ۴. «کوثر» علماء امت پیامبراند. ۵. «کوثر» همان پیامبری پیامبر است. ۶. «کوثر» همان قرآن و فضائل بی حد و حصر آن است. ۷. «کوثر» همان اسلام است. ۸. مقصود از «کوثر» کثرت

پیروان و گروه‌های پیرو پیامبر است. ۹. مراد از «کوثر» فضائل فراوانی است که در خود پیامبر است. ۱۰. منظور از «کوثر» بالابردن و رفعت نام پیامبر و اسلام است. ۱۱. مقصود از «کوثر» علم است. ۱۲. «کوثر» همان اخلاق نیکو است. ۱۳. «کوثر» جایگاه و مقام محمدی است که همان شفاعت است. ۱۴. «کوثر» خود همین سوره است. ۱۵. مقصود از «کوثر» همه نعمت‌هایی است که خداوند به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) داده است. و این روایت از ابن عباس نقل شده است؛ زیرا لفظ «کوثر» دلالت بر فراوانی و کثرت زیاد می‌کند. بنابراین تأویل آیه به یکی از این نعمت‌ها ترجیحی نسبت به بقیه ندارد، لذا بهتر است که منظور از «کوثر» را همگی آن‌ها بدانیم. زمانی که سعید بن جبیر این روایت را از قول ابن عباس روایت می‌کرد، عده‌ای به او گفتند: بعضی از مردم تصور می‌کنند که مقصود از «کوثر» رودی است در بهشت، سعید بن جبیر پاسخ داد: آن رودی که در بهشت است، از همان خیرات و خوبی‌های فراوانی است خداوند به پیامبرش عطا نموده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۱۳/۳۲-۳۱۷) ^۶

بررسی

بررسی اقوال شیعه و اهل سنت نشان دهنده آن است که بر اساس گفته برخی از اندیشمندان احتمال دارد که لفظ کوثر شامل مصداق‌های مختلف شود و تمام این اقوال تفصیل یک جمله است و آن خیر بسیار در دنیا و آخرت است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱۰/۸۳۷)

۴.۲.۵. فاطمه زهرا سلام الله علیها

برخی از اندیشمندان فریقین، به صراحت یا تلویحی ذات اقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها را مصداق اصلی کوثر دانسته‌اند.

۴.۱.۵.۱. منابع شیعه

برخی از اندیشمندان شیعه مصداق اصلی کوثر را فاطمه زهرا سلام الله علیها می- دانند چه اینکه صاحب تفسیر الفرقان می-نویسد: «قدر متیقن که مناسب سبب نزول نیز است مراد از کوثر همان صدیقه طاهره حضرت زهرا سلام الله علیها است.» (صادقی، ۱۳۶۵ش: ۴۷۴/۳۰) و نیز علامه طباطبایی می-نویسد: در آخر سوره فرمود: ﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ با در نظر گرفتن اینکه کلمه «ابتر» در ظاهر به معنای اجاق کور است، و نیز با در نظر گرفتن اینکه جمله مذکور از باب قصر قلب است، چنین به دست می-آید که منظور از کوثر، تنها و تنها کثرت ذریه‌ای است که خدای تعالی به آن جناب ارزانی داشته، (و برکتی است که در نسل آن جناب قرار داده) و یا مراد هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه، چیزی که هست کثرت ذریه یکی از مصادیق خیر کثیر است، و اگر مراد مسأله ذریه به استقلال و یا به طور ضمنی نبود، آوردن کلمه «ان» در جمله «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» فایده‌ای نداشت، زیرا کلمه «ان» علاوه بر تحقیق، تعلیل را هم می‌رساند و معنا ندارد بفرماید ما به تو حوض دادیم، چون که بدگوی تو اجاق کور است و یا بی‌خبر است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۷۰/۲۰)

۴.۱.۵.۲. منابع اهل تسنن

همانند اندیشمندان شیعی، برخی صاحب نظران اهل تسنن نیز مصداق کوثر را حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها (نیشابوری، ۱۹۹۶م: ۵۷۶/۶) و اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله را از بطن آن بانو دانسته‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۱۲۴/۳۲) در میان گروهی به صراحت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نام برده و گروه دیگر با عبارت اولاد و یا دختر اکتفا کرده‌اند. از جمله فخرالدین رازی در تفسیر کوثر، قول سوم را، اولاد پیامبر دانسته و به روایات اسباب النزول تمسک

نموده است که این سوره به عنوان رد کسانی نازل شده است که عدم وجود اولاد را بر آن حضرت خرده می‌گرفتند. بنابراین، معنای سوره این است که خداوند به او نسلی می‌دهد که در طول زمان باقی می‌ماند. بین چه تعداد از خانواده وی کشته شدند، در حالی که عالم از فرزندان، مملو و آکنده است و هیچ کس از خاندان بنی امیه نمی‌تواند با وی در این زمینه برابری نماید و نیز دقت کن که چگونه از نسل او علمای بزرگواری مانند باقر و صادق و کاظم و رضا علیه السلام و نفس زکیه و امثالشان پدیدار شدند. (همان: ۱۲۴/۳۲)

همچنین نظام الدین نیشابوری در بیان معانی کوثر از حضرت فاطمه سلام الله علیها به صراحت نام می‌برد و او را منبع اصلی نسل پیامبر می‌داند. (نیشابوری، ۱۹۹۶م: ۵۷۶/۶) بقاعی نیز به تداوم نسل پیامبر از طریق فاطمه زهرا اعتراف نموده است (بقاعی، ۱۹۹۵م: ۵۴۹/۸) دیوبندی اسم فاطمه را نمی‌برد، ولی با کنایه به چنین حقیقتی اشاره دارد. (دیوبندی، ۱۳۷۵ش: ۵۳۷/۸) و نیز ابوالاعلی مودودی این چنین می‌نویسد: «بلکه فقط به وسیلهی حضرت فاطمه به پیامبر صلی الله علیه و آله اولاد جسمانی عطا فرمود که در همه جای عالم است و همه افتخارشان انتساب به آن حضرت است.» (مودودی، ۱۹۹۳م: ۴۳۹/۶) از میان منابع اهل تسنن در محاسن التاویل به صورت تلویحی مصداق کوثر را فاطمه زهرا سلام الله علیها دانسته است چه اینکه می‌نویسد: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ أَيُّ الْعَدَدِ الْكَثِيرِ، وَ لَسْتُ بِالْأَبْتَرِ الَّذِي قَالُوهُ. وَ مَرَادُهُ بِالْعَدَدِ الْكَثِيرِ الذَّرِيَّةُ وَ هُمُ أَوْلَادُ فَاطِمَةَ.» (قاسمی، ۱۴۱۸ق: ۵۵۵/۹) برسوی حقی در ضمن پذیرش اهل بیت علیهم السلام به عنوان مصداق کوثر، به تداوم این نسل اشاره کرده است. (برسوی، ۲۰۰۱م: ۶۳۶/۱۰)

افزون بر آن در برخی تفاسیر اهل سنت همچون: البحرالمدید (ابن عجبیه، ۲۰۰۲م: ۳۵۹/۸)؛ تفسیر البیضاوی (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۴۲۱/۵)؛ تفسیر ابی السعود

(عمادی، ۱۹۹۹م: ۶/۴۷۷) و روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۰/۲۴۴)، یکی از مصادیق کوثر را، اولاد آن حضرت صلی الله علیه و آله دانسته‌اند.

بررسی

چنانچه یاد شد، در حقیقت تعداد زیادی از اندیشمندان شیعه و سنی که به برخی اشاره شد به صورت صریح یا تلویحی به مصداق کوثر بودن حضرت فاطمه سلام الله علیها اعتراف کرده‌اند. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین مصداق برای کوثر همین دیدگاه است که در جای خود بیشتر تبیین خواهد شد.

۴.۲.۶. همه نعمت‌های ظاهری و باطنی

۴.۲.۶.۱. منابع شیعه

از میان اندیشمندان شیعه، مغنیه در بیان مصداق کوثر نوشته است: «نزدیک‌ترین قول به صواب بر اساس آنچه مفسرین از این عباس و سعید بن جبیر نقل کرده‌اند آن است که مراد از کوثر تمام نعمت‌های خداوند بر رسول اعظم است. زیرا لفظ کوثر دربرگیرنده همه فراوانی و کثرت‌ها است که حد و حصری ندارد.» (مغنیه، ۱۴۲۱ق: ۷/۶۱۷)

۴.۲.۶.۲. اهل تسنن

همچنین از میان دانشوران اهل سنت بروسوی نوشته است: «و الأظهر ان جميع نعم الله داخلة في الكوثر ظاهرة او باطنة فمن الظاهرة خيرات الدنيا و الآخرة و من الباطنة العلوم اللدنية الحاصلة بالفیض الإلهی بغیر اكتساب بواسطة القوى الظاهرة و الباطنة.» (حقی بروسوی، بی تا: ۱۰/۵۲۵)

بررسی تطبیقی

این قول را می‌توان به عنوان تأویل و نظر اجتهادی اندیشمندان یاد شده دانست.

۴.۲. افتراقات

در دو مورد در منابع شیعی مواردی برای مصداق کوثر آمده است که در منابع اهل تسنن به چشم نمی‌خورد.

۴.۲.۱. کتاب و عترت

۴.۲.۱.۱. منابع شیعه

از میان اندیشمندان شیعی مدرسی چنین می‌نویسد: «بزرگترین تأویل کوثر همان کتاب و عترت است، زیرا کتاب و عترت دو چیز گرانبهای است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای امتش به یادگاری گذاشته است و امت را امر تمسک به آن کرده و آن دو از هم جدا نمی‌شوند تا آنکه در کنار حوض بر من وارد شوند و این تفسیر با سیاق سوره و شأن نزول سوره نیز تناسب دارد.» (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۳۹۲/۱۸)

۴.۲.۱.۲. وحی و نبوت

مرحوم طالقانی در پرتویی از قرآن درباره این مورد می‌نویسد: «الکوثر، چون به معنای منبع و ماده جوشان و افزاینده است و قرینه‌ای برای تحدید آن در ظاهر آیه نیست، هر چیزی را شامل می‌شود که از روح مخاطب گرامی سرچشمه گرفته. و شاید به قرینه عهد و خطاب، همان سرچشمه فیاض وحی و نبوت باشد که دیگر خیرات از موارد و آثار آنست و آنچه مفسرین ذکر کرده‌اند- از قرآن، حکمت و علم، کثرت ذریه، علماء امت، کثرت پیروان، شفاعت- همین بیان آثار

و موارد وحی و نبوت است که پیش از اینها به آن حضرت داده شده و فعل ماضی اعطینا، نیز دلالت بر همین دارد، قرآن از آثار همین کوثر وحی و استعداد آن است و خود کوثری است که از آیات آن علم و معرفت می‌جوشد و هر طالبی را به اندازه ظرفیتش سیراب می‌گرداند، و تلاوت آیاتش اذهان و نفوس را از اوهام باطل و عادات و اخلاق پست پاک می‌سازد و سرچشمه حکمت را از درون فطرتها جاری می‌نماید: «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»- این کتاب و حکمت که مورد اشاره آیه است و از سرچشمه تعلیم قرآن مایه می‌گیرد، خود سرچشمه جوشان و خیر کثیری است که به همه جوانب زندگی جاری می‌شود: «وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا.» (طالقانی، ۱۳۶۲ش: ۲۷۷/۴؛ و نیز ر.ک: طوسی، بی تا: ۴۱۸/۱۰)

۵. بررسی نهایی و نظریه مختار

چنانچه ملاحظه شد بر اساس منابع فریقین اشتراکات مصداق کوثر احوالی بود که ذکر شد و فقط در دو مورد افتراق دیدگاه وجود داشت. اما با توجه به بررسی شرایط زمان نزول سوره و تهاجم همه جانبه دشمنان دین بر رسول خدا صلی الله علیه و آله به علت نداشتن اولاد ذکور، به دست می‌آید که مصداق قابل اطمینان برای کوثر، وجود حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است که در صورت پذیرش این دیدگاه، معنای لغوی کوثر نیز حفظ خواهد شد. افزون بر آن، سیاق آیات، روایات سبب نزول، شأن نزول و قضایای مسلم تاریخی نیز مؤید چنین امری هستند.

بنابراین، اگر چه اندیشمندان فریقین در بیان مصداق «کوثر» اقوال و نظریات گوناگون مطرح کرده‌اند؛ ولی همچنان که ذکر گردید بسیاری از اندیشمندان شیعه (طبرسی، ۱۳۷۷ش: ۵۴۸/۴؛ ابو الفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق: ۴۲۸/۲۰؛ امین، ۱۳۶۱ ش:

۳۱۱/۱۵ و ۳۱۲؛ صادقی، ۱۴۱۹ ق:۶۰۲) و اهل سنت (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۱۲۴/۳۲ - ۱۲۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۴۸۱/۱۵ و ۴۸۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق: ۳۴۲/۵) بر این عقیده اتفاق نظر دارند که مصداق روشن «کوثر» وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است که نسل فراوان و با برکت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها از او است. از این رو، علامه طباطبائی پس از نقل پانزده قول درباره مصداق «کوثر» می‌نویسد: «و اقوال دیگر نیز در این زمینه وجود دارد؛ حتی بعضی از علما بیست و شش قول در این مورد نقل کرده‌اند؛ ولی غیر از دو قول که یکی می‌گوید: کوثر، خیر کثیر است و دیگری می‌گوید: نهری است در بهشت، که به برخی از روایات استناد دارد، بقیه اقوال «تحکم» و بدون دلیل است.» ایشان در ادامه می‌گوید: آیه «إِنَّ شَاتِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» دلالت دارد بر این که مقصود از «کوثر» یا خصوص نسل فراوان رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و یا این که آن از مصداق کوثر است. زیرا خداوند نسل آن حضرت را از طریق فاطمه زهرا سلام الله علیها به قدری فراوان کرده است که به رغم این که بسیاری از آنان را کشتند، هیچ نسلی به اندازه نسل آن حضرت گسترش نیافته است.» (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق: ۵۲۱/۲۰ و ۵۲۲)

شأن نزول سوره هم مؤید است. زیرا آنچه که اندیشمندان فریقین بر آن اتفاق نظر دارند این است که پس از وفات پسران پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه، مشرکان مکه خوشحال شدند؛ چون فکر می‌کردند که برنامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر نداشتن فرزند ذکور، با رحلت خودش تعطیل خواهد شد. بدین سبب بعضی از مشرکان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «ابتر» گفتند؛ لذا این سوره نازل شد تا آن حضرت را دلداری دهد و به عطای «کوثر» کرامتش بخشد؛ اما درباره گوینده این سخن بین «ابو لهب»، «ابو جهل»، «عقبه بن ابی معیط» و یا کسی دیگر اختلاف شده اسن و نیز اینکه درچه محلی بوده نیز

احتمالاتی داده شده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۳۲/۳۲ و ۱۳۳) اما مشهور این است که «عاص بن وائل که از سران مشرکان بود، پیامبر صلی الله علیه و آله را به هنگام خروج از مسجد الحرام نزد «باب بنی سهم» ملاقات کرد و مدتی با حضرت گفتگو نمود. گروهی از سران «قریش» در مسجد نشسته بودند و این منظره را از دور مشاهده می‌کردند. هنگامی که «عاص بن وائل» وارد مسجد شد، به او گفتند: با که صحبت می‌کردی؟ گفت: با آن مرد «ابتر»! در اینجا بود که این سوره نازل شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به «کوثر» و نعمتهای بسیار بشارت داد و دشمنان او را «ابتر» خواند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴۵۹/۱۰؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۶۸۵/۵؛ مکارم، ۱۳۸۶ ش: ۳۹۵/۲۷ و ۳۹۶) از این رو، علامه طباطبایی می‌نویسد: «به حد مستفیض است روایاتی که می‌گویند این سوره درباره کسی است که بعد از وفات دو فرزند پیامبر - قاسم و عبد الله - با لقب زشت «ابتر» از آن حضرت یاد کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۵۲۲/۲۰)

پس شأن نزول سوره کوثر نیز دلیل دیگری بر پیوند کوثر و فاطمه سلام الله علیها است و ارتباط کوثر با حضرت فاطمه سلام الله علیها را روشن می‌کند. بنابراین، شأن نزول و شواهد لغوی و تفسیری و سیاق آیات سوره کوثر همه گواه این حقیقت است که کوثر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است. دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همان کوثری است که خدای سبحان برای هدایت جهانیان در نسل پیامبرش قرار داده و شخصیت حضرت فاطمه سلام الله علیها مظهر خیر کثیر و مصداق انسان پربرکت و دارای خوبی‌های فراوان و بی‌نهایت است. از میان مفسران، این حقیقت را شیخ طبرسی در قرن ششم هجری کشف و درک کرده است. وی در نقل اقوال درباره تفسیر واژه کوثر می‌نویسد: «هو کثرة النسل و الذریة و قد ظهرت الکثرة فی نسله من ولد فاطمه حتی لایحصی عددهم و اتصل الی یوم القیامة مددهم (طبرسی: ۵۴۹/۵)؛ کوثر فراوانی و

زیادی نسل و ذریه است و زیادی در نسل پیامبر از فرزندان فاطمه علیها السلام پدید آمده و آشکار شده است به گونه‌ای که تعداد آنان شمارش نمی‌شود و تا روز قیامت ادامه دارد.

نتیجه گیری

این تحقیق به دنبال بررسی و تبیین مصداق کوثر از منظر فریقین بود. از این رو، مصداق‌هایی که برای واژه «کوثر» در منابع فریقین آمده بود در این تحقیق با رویکرد تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته و نقاط اشتراک و افتراق بررسی و ارزیابی گردید و مشخص شد که از میان مصداق‌های ذکر شده همچون: حوض و نهر کوثر، نعمت‌های خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا و آخرت، نسل کثیر و ذریه فراوان، فاطمه زهرا سلام الله علیها و... مصداق اصلی کوثر وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است که بیانگر این حقیقت و شاهد این واقعیت، مفاهیم لغوی و تفسیری، تصریحات منابع فریقین، شأن نزول و سیاق آیات سوره کوثر است.

پی نوشت‌ها:

۱. همچنین ر.ک: سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق: ۶۰۸؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ق: ۴۲۳/۷؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۴۳۳/۳۰؛ قمی، ۱۳۶۳ش: ۲/۴۴۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۴۶۰/۱۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۴۲۷/۲۰؛ طوسی، بی تا: ۴۱۸/۱۰؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق: ۶۱۵/۵؛ بحرانی، ۱۴۱۹ق: ۷۷۲/۵.
۲. همچنین ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۴۷۹/۱۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۲۰۷/۳۰-۱۰۸؛ میدی، ۱۳۷۱ش: ۶۳۷/۱۰؛ تعلبی، ۱۴۲۲ق: ۳۰۸/۱۰؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۴۸۷/۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۳۴۲/۵؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق: ۳۴۷۰/۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۴۷۲/۸؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۳۹۸۸/۶؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق: ۵۲۹/۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۴۰۲/۶؛ زمخسری، ۱۴۰۷ق: ۸۰۷/۴.

۳. همچنین ر.ک: ابن جوزی، ۴۲۲ق: ۴۹۷/۴؛ طبری، ۴۱۲ق: ۲۰۷/۳۰-۱۰۸؛ میبدی، ۱۳۷۱ش: ۶۳۷/۱۰؛ ثعلبی، ۴۲۲ق: ۳۰۸/۱۰؛ ابن کثیر، ۴۱۹ق: ۴۷۲/۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ۲۱۶/۲۰.
۴. همچنین ر.ک: زحیلی، ۴۱۸ق: ۴۳۳/۳۰؛ ابوالفتوح رازی، ۴۰۸ق: ۴۲۷/۲۰؛ طوسی، بی تا: ۴۱۸/۱۰.
۵. همچنین ر.ک: طبری، ۴۱۲ق: ۲۰۷/۳۰-۱۰۸؛ میبدی، ۱۳۷۱ش: ۶۳۷/۱۰؛ ثعلبی، ۴۲۲ق: ۳۰۸/۱۰؛ ابن کثیر، ۴۱۹ق: ۴۷۲/۸؛ ابن عطیه اندلسی، ۴۲۲ق: ۵۲۹/۵؛ زمخسری، ۱۴۰۷ق: ۸۰۷/۴.
۶. همچنین ر.ک: آلوسی، ۴۱۵ق: ۴۷۹/۱۵؛ طبری، ۴۱۲ق: ۲۰۷/۳۰-۱۰۸؛ میبدی، ۱۳۷۱ش: ۶۳۷/۱۰؛ ثعلبی، ۴۲۲ق: ۳۰۸/۱۰؛ محلی جلال الدین و جلال الدین سیوطی، ۴۱۶ق: ۶؛ ابن عطیه اندلسی، ۴۲۲ق: ۵۲۹/۵؛ سیوطی، ۴۰۴ق: ۴۰۲/۶.
۷. همچنین ر.ک: نیشابوری، ۱۹۹۶م: ۵۷۶/۶؛ بقاعی، ۱۹۹۵م: ۵۴۹/۸؛ دیوبندی، ۱۳۷۵ش: ۵۳۷/۸؛ مودودی، ۱۹۹۳م: ۴۹۳/۶.

منابع:

قرآن کریم

۱. آلوسی سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابراهیم انیس و دیگران، المعجم الوسیط، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۴. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار العلم، اول، ۱۴۱۲ ق.
۵. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، بی تا.
۶. ابوالفتوح رازی حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، اول، ۱۴۰۸ ق.
۷. ابن عطیه اندلسی عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۲۲ ق.
۸. ابن عاشور محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ، اول، بی تا.

۹. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربی، اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۰. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز، سوم، ۱۴۱۹ ق.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۹ ق.
۱۲. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، اول، ۱۴۰۸ ق.
۱۳. ابن جزی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت، دار الارقم بن ابی الارقم، اول، ۱۴۱۶ ق.
۱۴. ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، اول، ۱۴۲۰ ق.
۱۵. ابن عجبیه، احمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۲ م.
۱۶. بیضاوی، عبد الله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۱۸ ق.
۱۷. بغوی حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۰ ق.
۱۸. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق.
۱۹. بخاری، اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. بقاعی، ابراهیم، نظم الدرر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۵ م.
۲۱. بروسوی، اسماعیل حقی، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالتراث العربی، ۲۰۰۱ م.
۲۲. بانوی اصفهانی (سیده نصرت امین)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۲۳. پاکتچی، احمد، روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول، ۱۳۹۱ ش.

۲۴. ثعلبی نیشابوری ابو اسحاق احمد بن ابراهیم، **الكشف و البيان عن تفسير القرآن**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، اول، ۱۴۲۲ ق.

۲۵. حسکانی عبید الله بن احمد، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، اول، ۱۴۱۱ ق.

۲۶. حسینی شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد، **تفسیر اثنا عشری**، تهران، انتشارات میقات، اول، ۱۳۶۳ ش.

۲۷. حسینی استرآبادی سید شرف الدین علی، **تأویل الآیات الظاهرة**، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۰۹ ق.

۲۸. عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، قم، انتشارات اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ ق.

۲۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة**، بیروت، دار العلم للملایین، اول، ۱۴۱۰ ق.

۳۰. جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، **النهاية فی غریب الحدیث و الأثر**، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، اول، بی تا.

۳۱. دیوبندی، محمود حسن، **تفسیر کابلی از دیدگاه اهل سنت**، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۵ ش.

۳۲. رازی، ابی بکر بن عبدالقادر، **تفسیر غریب القرآن العظیم**، بی جا، مدیریة النشر الطباعة، ۱۹۹۷ م.

۳۳. زمخشری محمود، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت، دار الكتاب العربی، سوم، ۱۴۰۷ ق.

۳۴. زحیلی وهبه بن مصطفى، **التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج**، بیروت، دار الفكر المعاصر، دوم، ۱۴۱۸ ق.

۳۵. سبزواری نجفی محمد بن حبیب الله، **ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن**، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، اول، ۱۴۱۹ ق.

۳۶. سبزواری نجفی محمد بن حبیب الله، **الجديد فی تفسیر القرآن المجید**، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، اول، ۱۴۰۶ ق.

۳۷. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت- قاهره، دارالشروق، هدفهم، ۱۴۱۲ ق.

۳۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، اول، ۱۴۰۴ ق.

۳۹. شوکانی محمد بن علی، فتح القدير، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب، اول، ۱۴۱۴ ق.

۴۰. صاحب بن عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتاب، اول، ۱۴۱۴ ق.

۴۱. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۶۵ ش.

۴۲. صادقی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، بی جا، اول، ۱۴۱۹ ق.

۴۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.

۴۴. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، تهران، کتابفروشی مرتضوی، سوم، ۱۴۱۶ هـ ق.

۴۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۴۱۷ ق.

۴۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ ش.

۴۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، بی تا.

۴۸. طبری ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، اول، ۱۴۱۲ ق.

۴۹. طالقانی سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار، چهارم، ۱۳۶۲ ش.

۵۰. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، اول، ۱۳۷۷ ش.

۵۱. عمادی، محمد، تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم)، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۹ م.

۵۲. فیومی، احمد بن محمد مقری، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم، منشورات دار الرضی، اول، ه.ق.

۵۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۱۰ ه.ق.

۵۴. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۲۰ ق.

۵۵. فیض کاشانی ملا محسن، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۴۱۸ ق.

۵۶. فیض کاشانی ملا محسن، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، دوم، ۱۴۱۵ ق.

۵۷. فضل الله سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، دوم، ۱۴۱۹ ق.

۵۸. قراملکی، احد فرامرز، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، پنجم، ۱۳۸۸ ش.

۵۹. قرشی سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، سوم، ۱۳۷۷ ش.

۶۰. قرطبی محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، اول، ۱۳۶۴ ش.

۶۱. قاسمی محمد جمال الدین، محاسن التاویل، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۸ ق.

۶۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دار الکتب، سوم، ۱۳۶۳ ش.

۶۳. قمی مشهدی محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ ش.

۶۴. قادری، محمد طاهر، معارف الکوثر، لاهور، منهاج القرآن پبلیکیشنز، بی تا.

۶۵. معین، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.

۶۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز الکتب للترجمه و النشر، اول، ۱۴۰۲ ق.

۶۷. میدی، احمد بن محمد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران، انتشارات امیر کبیر، پنجم، ۱۳۷۱ ش.

۶۸. مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامیه، اول، ۱۴۲۴ ق.

۶۹. محلی جلال الدین و جلال الدین سیوطی، تفسیر الجلالین، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، اول، ۱۴۱۶ ق.

۷۰. مدرسی سید محمد تقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، اول، ۱۴۱۹ ق.

۷۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دارالوفا، بی تا.

۷۲. مظہری، محمد ثناء اللہ، التفسیر المظہری، پاکستان، مکتبہ رشدیہ، ۱۴۱۲ ق.

۷۳. مودودی، ابوالاعلیٰ، تفہیم القرآن، لاہور، ترجمان القرآن، ۱۹۹۳ م.

۷۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونہ، تهران، دار الکتب الاسلامیہ، سی و ششم، ۱۳۸۶ ش.

۷۵. نحاس، احمد بن محمد، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۱ ق.

۷۶. نیشابوری، نظام الدین، غرائب القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۹۹۶ م.

۷۷. واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضیٰ حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، اول، ۱۴۱۴ ق.

۷۸. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیہ، اول، ۱۴۱۱ ق.

۷۹. ہاشمی، احمد، جواهر البلاغہ، ترجمہ حسن عرفان، قم، نشر بلاغت، یازدہم، ۱۳۸۸ ش.